

نمکے کہ ہمچنان برزخم عمیق ایران پاشیدہ مے شود

دکتر علی رضا امینی*



سالهاسست که جریانی در کشور تلاش می کند تا فضای ارتباطی را با غرب و به مفهوم دقیق تر آمریکا ایجاد کند که صد البته اگر نیت این مذاکرات بر مبنای روابط دیپلماتیک و بر اساس حفظ شأن و منابع جمهوری اسلامی ایران و در مفهوم کلان خود بود، امری عادی در عرصه دیپلماسی کشور ها تلقی می شد اما آنچه که باعث تعجب است این است که چگونه مدعیان مذاکره با آمریکا که قطع به یقین از صاحب نظران پر سابقه حوزه دولت و یا حوزه آکادمیک بین الملل هستند این چنین از حافظه تاریخی ضعیفی برخوردارند که جوانب این مبحث را بدون آنکه زوایای حساس آن را مورد مطالعه قرار دهند در حوزه دیپلماسی تئوری پردازی می کنند؟ آنها بدون توجه به سوابق این جور روابط؟

به نظر می رسد در ابتدا باید به تاریخ رابطه آمریکا با ایران توجه نمود تا شاید نظریه پردازان مذاکره با آمریکا مجدداً تئوری خود را مورد باز سنجی قرار دهند، مگر این که تفکر مذکور، ریشه در حوزی نظری دیگری داشته باشد.

گذشته آمریکا با ایران نه تنها گذشته درخشانی از بُعد دیپلماتیک نیست بلکه به کرات اقدامات آمریکا باعث شکاف مابین ارتباطات این دو کشور شده است که تیتروار بر آن گذر خواهد شد:

۱- کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که مرکز ملی اسناد سازمان سیا و به اعتراف خود آمریکایی ها به موضوع براندازی دولت مصدق به پیشنهاد انگلستان به آمریکا و جایگزینی یک حکومت کاملاً وابسته در تاریخ فروردین ۱۳۳۲ پاسخ مثبت می دهند و عاملی می شود برای نقش مهم آمریکا برای سرنگونی دولت مردمی مصدق.

۲- حمایت همه جانبه برای دیکتاتوری محمد رضا شاه. بطور نمونه اقداماتی از قبیل نفوذ در دستگاه اجرایی دولت در سطح کلان، سکوت آمریکا به خصوص رئیس جمهور کارتر که مدام داد سخن از حقوق بشر می داد. یا در ماجرای خونین ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و اعلام علنی حمایت آمریکا از محمد رضا شاه.

۴- تبدیل سفارت خود به لانه جاسوسی برای اقدامات برانداز انقلاب مردمی ایران و نفوذ جاسوسان خود تا حد مسئولین رده بالای دولت موقت انقلابی به جهت براندازی رهبری انقلاب و نشان دادن دست نشانندگان خود به جای امام خمینی (ره) به حدی که در اسناد سفارت خانه خود می نویسند که در ظرف ۳ هفته طرفداران امام به نصف برسند و ظرف ۳ سال آینده حکومت سقوط کند.

۳- تحقیر ملت ایران با قانون کاپیتالیستیون که شاه و دولت

۵- حمله نظامی به طیس؛ اقدام نظامی با تکیه بر عناصر ضد

مدار های آمریکایی که قابل اثبات و نمود بوده است تا جایی که وزیر و حتی ریس جمهور یک کشور اروپایی و یا آمریکایی شخصا به کشور ایران سفر می کند تا جاسوس و عامل نفوذی دستگیر شده را آزاد کند مسأله آنقدر مشهود است که در رسانه ملی ایران تبدیل به چندین فیلم و سریال گردیده است.

۱۲- حمایت از جریانهای برانداز
شاه کلید این سرفصل، حمایت منافقین و خارج کردن آنها از لیست گروه تروریست ها، حمایت از گروه تروریستی القاعده تا داعش، گروه تروریستی (پژاک)، جنداله، تندر، کومله، خلق عرب، و چندین و چند گروه دیگر که در راستای حمایت های همه جانبه آمریکا قرار گرفته اند.

۱۳- جنگ نرم و فضا سازی رسانه ایی
آمریکا در جنگ نرم با تشکیل دو هزار ۵۰۰ شبکه ماهواره ای و بیش از یک هزار سایت اینترنتی و با استفاده از شبکه های مجازی بر خط بر اساس تئوری های ارتباطات فضای داخلی و خارجی کشور را مسموم و با ایجاد یک جنگ فرهنگی امنیت جامعه ایرانی را نشانه گرفته است. به تعبیری می توان گفت که آنها جنگ روانی و جنگ اعتقادی را در کنار جنگ اقتصادی و نه تنها در برابر نظام جمهوری اسلامی ایران بلکه نابودی فرهنگ مردم کشور را در دستور کار خود قرار داده است و چندین و چند اقدام دیگر اعم از تحریک آشوبگران و حمایت های علنی از شورشهای خیابانی ایران همچنان جای تعجب را به دنبال دارد که آیا حافظه تاریخی مدافعان نظریه مذاکره با آمریکا ضعیف است یا مفاهیم دشمنی و ساختار های امنیتی برای آنها روشن نیست؟ در هر صورت به نظر می رسد افرادی که در مسند کار مدعی ایجاد این ارتباط هستند و مدام جامعه عمومی را به جهت حل مشکل اقتصادی کشور به ارتباط با آمریکا گره می زنند در بالاترین سطوح مدیریتی در ۴۰ سال گذشته این انقلاب حضور داشته اند چگونه این اسناد تاریخی را ندیده اند که همچنان به جای آنکه کلید حل مشکل را در اعتماد به جوانان و مردم این مرز و بوم طلب کنند به دنبال راه کار ایجاد ارتباط (به تعبیر حضرت امام (ره) با شیطان) بزرگ می دانند.

این که چطور مدعیان به ظاهر متشروع مدیریتی نظام دینی، مذاکره با شیطان را آن هم با تفکر پذیرش کدخدا بودن آنها به کرات و بلند فریاد می زنند نیاز به یک بررسی مجدد در رسالت حضور این افراد در رده های نظام توسط دستگاه های نظارتی و امنیتی دارد که شاید پس از این بررسی زوایای پنهان عیان شود (تا سیه رو شود هر که در او غش باشد).

آیا وقت آن نرسیده است که کم کم باور کنیم عوامل دشمن در بالاترین سطوح مدیریتی و تصمیم گیری جمهوری اسلامی ایران رسوخ کرده اند. باشد تا باور کنید.

که خدایی همه غم و هوس است
که رها کن تو را خدا بس است

* صاحب امتیاز و مدیرمسئول

انقلاب مردمی ایران که بر اساس آن با جاسوسان خود به خاک ایران حمله کرده اما به لطف خدا طوفان شن دودمان آنان را برهم پیچاند

۶- کودتای نافرجام نوژه
از اقدامات براندازی آمریکا در ایران طرح کودتای نوژه - هجدهم تیرماه ۱۳۵۹ که قبل از اقدام با شکست مواجه گردید.
۷- تحریم های اقتصادی و دارایی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران
از زمان کارتر، اوائل سال ۱۳۵۹ دولت آمریکا سیاست مهار را در برابر ایران در پیش گرفت و همین طرح (داماتو) در زمان ریاست جمهوری کلبنتون که تحریم اقتصادی ایران وارد مرحله جدیدی گردید.

۸- تحریک و حمایت عراق به جهت جنگ بر علیه ایران
تجهیز صدام به سلاح های جدید جنگی و کشتار جمعی و مهم تر از حمایت تسلیحاتی، حمایت های رسانه ای، سیاسی و بین المللی از سوی آمریکا و هم پیمان های آنها که نمی شود در اسناد تاریخی آن کتمان نمود، همان گونه که سایروس ونس، مشاور سابق امنیت ملی کاخ سفید ادعا می کند (مادر جنگ طولانی پر خسارت ایران و عراق علیه ایران بردیم).

۹- درگیری نظامی در آبهای خلیج فارس
الف: بالگرد های آمریکا در حمله به قایق های گشت زنی سپاه در خلیج فارس در سال ۱۳۶۶ (۲۰)
ب: در تاریخ ۳۰ شهریور ۱۳۶۶ حمله به کشتی (ایران اجر) کشتی تدارکاتی هشتصد تنی توسط دو بالگرد نظامی که باعث شهید شدن ۳ تن مفقود شدن ۲ تن و ۲۶ زخمی که به اسارت آمریکا در آمدند شد که صد البته کشتی نیز در آبهای خلیج فارس مدفون گردید (۱۹)
ج: حمله به ناوچه سههند،سکو های نفتی و..... که از اقدامات مستقیم آمریکا بوده است (۲۱)

۱۰- حمله ناو آمریکایی به هواپیمای مسافری ایران
در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ در یک پرواز معمولی یک هواپیمای مسافری، در حوالی جزیره (هنگام) هدف ۲ موشک ناو قرار گرفت و تمامی ۲۹۰ نفر مسافر و خدمه و کودک به شهادت رسیدند و نه تنها سران آمریکا عذر خواهی نکردند بلکه به فرمانده ناو (وینسنس) به خاطر این جنایت مدال افتخار دادند (۲۲)

۱۱- تولید و هدایت جریانهای نفوذگر
به کارگیری جاسوسان و نفوذیان داخلی با صرف هزینه های کلان و حمایت های آشکار چه مستقیما توسط خود سیاستمداران آمریکا و چه از طریق هم پیمانان اروپایی خود طی سال های متمادی در جمهوری اسلامی ایران تا جایی که می توان گفت توانستند حتی در سطوح عالی نظام هم ورود کنند. حمایت از جنبش های جدایی طلب در طی ۴۰ سال گذشته. به کرات عوامل مذکور شناسایی و دستگیر گردیدند که وجود نفوذ های آنها و ارتباطات آنها با مسئولین و سیاست